

مجلس هشتم را نیز، تابع سیاست نظامی- اتمی می خواهند

آغاز این زمزمه در داخل کشور و در میان فعالان عرصه سیاست، که حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی تصمیم قطعی دارد مجلسی تابع سیاست های داخلی و خارجی ۳ سال گذشته برپا کند، زمزمه ای درست و دقیق است. نه تنها دقیق و بموقع است، بلکه ضرورت دارد، بتدریج بازگوئی روشن تر آن سیاست هائی آغاز شود، که برپائی چنان مجلس هشتم را در تدارک دارد. پیش از هر بحثی پیرامون شرکت یا عدم شرکت، دلیل تائید و یا رد صلاحیت ها، این زمزمه، **کلید** رمز عبور از مرحله ایست که ایران در آن قرار دارد. بحث اصلی نه درباره قد و قواره دبیر شورای نگهبان، چقیه دور گردن رهبر و فرماندهان سپاه، شکل و شمایل احمدی نژاد و یا سواد کم یا زیاد سیاسی او، تندخوئی و عوامفریبی او، ترکیب نظامی- امنیتی کابینه و یا اختلاف میان وی و همکارانش، بلکه باید بر محور آن سیاستی پیگیری شود که کارگزار و مجری آن، امثال احمدی نژاد و احمد جنتی و... اند. همین بحث در باره مجلس آینده نیز صادق است. یعنی، بحث باید بر محور آن سیاست قطعی شده ای استوار شود، که مجلس همسو با این سیاست را می طلبد. چنان که حتی ترکیب مجلس هفتم را نیز کافی و نزدیک به مقصود نمی دانست و نمی داند.

این روند، روندی نا آشنا نیست. حداقل برای آنها که راه توده را پیگیرانه خوانده و می خوانند روندی غریب نیست. ما از همان روزها و هفته هائی که بحث بر سر ترکیب کابینه احمدی نژاد در مجلس هفتم آغاز شده بود و اغلب آنها که، پس شمشیر کشیدن به روی مجلس ششم و خاتمی تازه از خواب غفلت بیدار شده و یادشان افتاده بود که کابینه ای نظامی را می خواهند سر کار بیاورند گفتیم و در سرمقاله های راه توده نوشتیم، که اکنون دیگر زمان بحث بر سر ترکیب کابینه و یا نوع انتخابات ریاست جمهوری و حوادث آن و بیرون کشیدن احمدی نژاد از صندوق ها نیست. این بحث مربوط به یکسال آخر ریاست جمهوری محمد خاتمی و آشنائی ابتدائی با آینده رویدادها بود. اکنون بحث از اینجا آغاز می شود که چنین دولت و کابینه ای را با ترکیبی از بدنام ترین چهره های امنیتی و روحانی و شماری از خشن ترین و تندرو ترین فرماندهان سپاه که از پشت صحنه بیرون آمده اند، برای چه هدفی می خواهد تشکیل دهند. مهم نبود که این فرمانده و یا آن فرمانده هنوز لباس سپاهی را به تن دارد و به کابینه پیوسته و یا از مدتی قبل از لباس نظامی بیرون آمده و برای نقش آفرینی در عرصه اجرائی کشور چهره سیاسی به خود گرفته است. نکته مهمی که باید روی آن متمرکز شد، آنست که این تحولات برای اجرای کدام سیاست در حال روی دادن است. تحولاتی که همزمان با تشکیل دولت احمدی نژاد، در ارگان های نظامی - بویژه سپاه- رخ داد و نهادهای نوینی - از جمله و در راس آنها "نهاد راهبردی سپاه- تشکیل شد، جابجائی فرماندهان سپاه و انتصابات جدید در عالی ترین سطوح فرماندهی سپاه و منسجم تر ساختن و نظامی- سیاسی کردن بسیج، تحت فرماندهی فرمانده جدید سپاه پاسداران و دهها جابجائی و رویداد دیگر که حتی شورای نگهبان و شورای عالی امنیت ملی را نیز شامل شد، در همین ارتباط بود. قرار گرفتن شیخ محمد یزدی در راس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قرار گرفتن سید احمد خاتمی در ترکیب شورای نگهبان، تغییر ترکیب شورای عالی امنیت ملی و افزون چهره هائی جدید و اغلب بیرون آمده از بخش امنیتی سپاه پاسداران به آنها و... همگی در ادامه همان تحول و سیاست استراتژیکی بود که حاکمیت جمهوری اسلامی اتخاذ کرده و جابجائی چهره ها و مهره ها با هدف هدایت و به مقصد رساندن این استراتژی بود. چنان که انتصابات برای مجلس هشتم نیز همین هدف را دنبال می کند. انتصاباتاتی که از هم اکنون تکلیف حداقل ۱۸۵

صندلی مجلس را روشن کرده و جدال بر سر ۳۰-۴۰ صندلی خالی است که مدعیانش از قافله جا مانده های موثلفه اسلامی نیز هستند.

این سیاست، در ابتدا به بهانه روئین تن کردن جمهوری اسلامی در برابر خطر تهاجم نظامی امریکا آغاز شد و هسته مرکزی آن نیز رسیدن به آن درجه از تکنولوژی اتمی بود و یا هست که بتوان در صورت نیاز با یک اشاره از دل آن سلاح اتمی بیرون آورد. علیرغم همه کشاکش اتمی دو ساله میان حاکمیت جمهوری اسلامی و سازمان انرژی اتمی و گروه ۵+۱ و شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه، بنظر ما، اتفاقا حاکمیت کنونی در جمهوری اسلامی نه تنها قصد پنهان کردن این مسیر را ندارد، بلکه متمایل به آگاهی امریکا و غرب و اسرائیل از این توان نیز هست. اختلاف تنها بر سر اینست که حاکمیت می گوید ما سلاح نساخته و نمی سازیم و جبهه مقابل نیز ضمن باور و تائید این مسئله، تمام تلاش خود را متوجه جلوگیری از رسیدن جمهوری اسلامی به آن مرحله ای کرده که از آن مرحله به بعد، با یک اشاره، تکنولوژی اتمی ایران می تواند وارد عرصه تولید سلاح اتمی شود.

هر نوع دور زدن و ندیدن این جدال و یا خود را به نادیده گرفتن آن زدن، ما را از شناخت مسیری که در داخل کشور طی می شود و حوادثی که از بیرون برای ایران تدارک دیده می شود باز می دارد. در حقیقت ما با دور زدن این واقعیت، خود بدست خویش، چشمهایمان را می بندیم، اما کور بودن و یا خود به کوری زدن ما، تغییری در اصل مسئله نمی دهد، بلکه ما را وسط بیابان و در ظلمات کوری رها می کند.

همه رویدادها، تصمیمات، انتصابات، جابجائی ها، سانسور و سرکوب و کنترل بی سابقه امنیتی جامعه که همه با هم در حال پیشروی است و مجلس هشتم نیز در ادامه آن، برخاسته از همان استراتژی است که در بالا اشاره کردیم. حتی تکاپوهائی که به کمک پول نفت در لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان می شود و فتنه ای که زیر پای شیعیان در کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه روشن می شود نیز برای پیشبرد این استراتژی است.

این استراتژی، در خوشبینانه ترین حالت می خواهد جمهوری اسلامی و حتی ایران را در برابر تهاجم نظامی خارجی و در راس آن امریکا روئین تن کند، اما شاهدیم که این روئین تن شدن در برابر تهاجم نظامی خارجی - که تازه خود می تواند موجب ویرانی تاریخی کشور شود- چنان گسست ملی و فاصله ملت و حکومتی را باعث شده که حداقل در ۳۰ سال تاسیس جمهوری اسلامی سابقه نداشته است. درحقیقت، این تدابیر برای جلوگیری از خطر خارجی، به مین آماده انفجار در زیر پای حکومت در داخل کشور تبدیل شده است.

ما تردید نداریم که در راس هرم حاکمیت، وقوف کامل میان مخالفان و موافقان نسبت به این سیاست و انگیزه های سالم و ناسالم آن وجود دارد، اما به همان اندازه نیز خوف از علنی کردن آن در میان این مخالفان و موافقان حاکم است. این خوف می تواند تا وقوع فاجعه ادامه یابد، اما پس از وقوع فاجعه، خاتمه یافتن این خوف و بازگوئی بحث ها و جدال های چندین ساله در پشت صحنه حاکمیت، دردی را دوا خواهد کرد؟ و یا بازگوئی سیاستمداران آن و بالا بردن آگاهی مردم از عمق ماجراها، چاره درد، قبل از فاجعه است؟ بحث اینست!

در همین سه سال اخیر و در ادامه همین سیاست، ما بارها از دهان رهبر، برخی امام جمعه های موثر در تدوین و پیشبرد این سیاست در تهران و خراسان و همچنین فرماندهان سپاه و مبلغانی نظیر حسین شریعتمداری سخنان و ادعاهائی را شنیده ایم مبنی بر رهبری جهان اسلام و حتی فراتر از آن، "رهبری جهان سوم" و اشاره به قدرت نظامی جمهوری اسلامی (حتی "دست یابی به تکنولوژی اتمی" که همان هدف استراتژیک بالا را تداعی می کند). تکرار پیشنهاد انعقاد قرار داد دو جانبه نظامی به شیخ نشین های خلیج فارس، پیشنهاد فروش تسلیحات نظامی تولیدی ایران و حتی برپائی نمایشگاه سلاح های نظامی برای فروش به کشورهای جهان سوم و... همه و همه نتیجه همان سیاست جنگی است که بندریج به آن توهم بزرگ و خطرناکی ختم شده که جاده صاف کن سیاست جنگی امریکا و اروپا (ناتو) نیز شده

است. آغاز این زمزمه که "پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری اسلامی جای خالی آن را در جهان پر کرده و یا می‌کند"، "جای جمهوری اسلامی در کنار ۸ قدرت بزرگ است"، "سهم ما را در خاورمیانه باید بدهند" و... که همگی از دهان رئیس‌جمهور، رهبر و علی‌لاریجانی در زمان ریاست خود بر شورای عالی امنیت ملی بیرون آمده است، حکایت از همان توهمی که دربالا اشاره کردیم دارد. توهمی که بنظر ما دست‌های بیگانه در مخفی‌ترین اتاق‌های تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی مشوق و هدایت‌کننده آن هستند و ایران را در جریان بحران اقتصادی رو به رشد جهان سرمایه‌داری، در جهت سیاست جنگی امریکا و اروپا (ناتو) زیر پوشش روئین‌تن کردن جمهوری اسلامی پیش می‌برند. و حتی سیاست خارجی را به گفته رهبر "سیاستی طلبکارانه و تهاجمی" تعریف و توصیه می‌کند.

بدین ترتیب است که ما معتقدیم و با صدای بلند می‌گوئیم، اگر انتخابات مجلس هشتم را در چارچوب آن سیاست استراتژیکی که حاکمیت جمهوری اسلامی پیش می‌برد (درباره تصورات و خیزهای اقتصادی- نظامی آن که خود پایه‌های اقتصادی این سیاست شبه فاشیستی می‌تواند باشد را جداگانه خواهیم نوشت) نتوانیم ببینیم و تحلیل کنیم، تبدیل می‌شویم به افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی اسیر مرداب مهاجرت. آن گروه‌بندی‌ها و سازمان‌های سیاسی مهاجری که بمناسبت هر رویدادی یک بیانیه و اعلامیه بی‌ارتباط با ریشه تحولات و رویدادها به هوا می‌پردازند. مانند آن دعانویس‌ها و یا نامه‌نویس‌های مقابل دادگستری تهران که برای همه دادنامه و درخواست‌ها یک فرم ثابت و همیشگی دارند و برای هر متقاضی تنها کافی است چند کلامی از آن را به ضرورت موضوع جابجا کنند و بدست مشتری بسپارند.

چنان که از محتوای سرمقاله‌های سه شماره اخیر راه توده بر می‌آید، ما هنوز در مقدمه موضع‌گیری پیرامون انتخابات مجلس هشتم هستیم، زیرا معتقدیم ابتدا و قبل از هر نوع موضع‌گیری، باید بدانیم در ایران چه می‌گذرد؟ چرا می‌گذرد؟ پس از پاسخ به این چرایی و چگونگی است که تازه می‌توانیم بگوئیم و حدس بزنیم که چه موضع‌گیری آگاهانه‌ترین و واقعی‌ترین موضع‌گیری در برابر رویدادهای ایران و از جمله انتخابات مجلس هشتم و یا ریاست جمهوری دوره نهم است.

راه توده ۱۶۵ ۲۰۰۸، ۰۲، ۰۴